**The clock of free time**

**ساعت وقت آزاد**

What time is it? It’s walk time

ساعت چند است؟ وقت پیاده روی

Time for a walk, bicycle time

وقتی برای پیاده روی، وقت دوچرخه سواری

What time is it now? Ups! Ice cream time

ساعت چند است؟ برخاستن! وقت بستنی

Shouldn’t let my ice cream melt

نباید بگذاری بستنی آب شود

Switch off the computer, I want to play

کامپیوتر را خاموش کن، من می خواهم بازی کنم

It’s playing time already!

وقت بازی کردن است

Until ten that I have to go to bed

تا آن نوقت باید برم به رختخواب

Which clock says all that?

کدام ساعت همه اینها را می گوید؟

The only clock that is correct

فقط ساعتی که درست است

The clock-clock-clock-clock

ساعت - ساعت - ساعت - ساعت

The clock of free time

ساعت وقت آزاد

Now quiet, turn off the lights

حالا سکوت، لامپ ها را خاموش کن

It’s movie time, boom firecrackers

وقت دیدن فیلم است، صدای ترکیدن ترقه

And then break for pasta

بعد از آن وقفه برای پاستا

It’s four o'clock,time for pasta, bring the minced meat

ساعت چهار است، وقت پاستا،گوشت چرخ کرده هم بیاور

And later the time that wants to be on roll

و بعداً زمانی که می خواهد در یک رول قرار بگیرد

It’s time for friends and talk

وقت برای دوستان و صحبت است

Then it’s dive time, time for bath

و بعد وقت شیرجه زدن، وقت حمام

Hot water is on by mom

آب داغ شد توسط مادر

Which clock says all that?

کدام ساعت همه اینها را می گوید؟

The only clock that is correct

فقط ساعتی که درست است

The clock-clock-clock-clock

ساعت - ساعت - ساعت - ساعت

The clock of free time

ساعت وقت آزاد

Only ask that

فقط اون رو بپرس

only look at that

فقط به اون نگاه کن

and think that you love me

و فکر کن که عاشق من هستی

It’s time for nothing, we’ve done so much

وقت هیچی نیست، کارهای زیادی انجام دادیم

You danced waltz, I danced bossa

شما فالس (waltz) رقصیدید، من بوسا (bossa) رقصیدم

Lie next to me and see the ceiling

کنار من دراز بکش و سقف را ببین

To think of tomorrow hugging each other

فکر کردن به بغل کردن همدیگر فردا

**Family (the song with the longest refrain in the world)**

خانواده ( ترانه ای با بیشترین ترجمه در دنیا)

if mountains get between us

اگر کوه ها به میان آیند

We will climb them to the top

تا قله آنها بالا می رویم

if the oceans get between us

اگر اقیانوس ها به میان آیند

We will swim to the same island

تا همان جزیره شنا می کنیم

And if there is a war and bullets fall

اگر آتش گلوله ها و جنگی باشد

We will spend the days hugging tightly

روز ها را محکم در بغل هم می گذرانیم

And if they will raise us a wall

اگر دیواری بکشند برای مان

We will walk until the bricks are over

تا پایان آجرها راه می رویم

Why? Because, why? Because

چرا؟ چون، چرا؟ چون

Because we are a family! That’s why!

چون یک خانواده هستیم! به این خاطر

The law clearly reports

قانون واضح گزارش می دهد

That nothing can get between us except:

که هیچ چیز نمی تواند به میان مان آید جز:

A huge pizza, special with everything on top

a -full of hot cocoa- pot

پیتزا ای بزرگ، مخصوصا با همه چیز روی آن

قابلمه ای پر از کاکائو داغ

A book of words that send you on a trip

A board game for all

کتابی با لغت هایی که تو را به سفر ببرند

بازی تخته ای برای همه

The stretched net of Ping pong or tennis

With table set, ball, rackets

طوری کشیده شده پینگ پنگ یا تنیس

با میز یک دستِ توپ و راکت

A plate of potatoes that will pop your eyes out

a difficult puzzle of three thousand pieces,

بشقابی از سیب زمینی که چشم ها با دیدن آن بیرون می زند

پازل سختی با سه هزار قطعه

if mountains get between us

اگر کوه ها به میان آیند

We will climb them to the top

تا قله آنها بالا می رویم

Even if the oceans get between us

حتی اگر اقیانوس ها به میان آیند

We will swim to the same island

تا همان جزیره شنا می کنیم

And if there is a war and bullets fall

اگر آتش گلوله ها و جنگی باشد

We will spend the days hugging tightly

روز ها را محکم در بغل هم می گذرانیم

And if they will raise us a wall

اگر دیواری بکشند برای مان

We will walk until the bricks are over

تا پایان آجرها راه می رویم

Why? Because, why? Because

چرا؟ چون، چرا؟ چون

Because we are a family! That’s why!

چون یک خانواده هستیم! به این خاطر

The law clearly reports

قانون واضح گزارش می دهد

That nothing can get between us except:

که هیچ چیز نمی تواند به میان مان آید جز:

A bowl of markers to paint

A wall of sweets to surround

کاسه ای از ماژیک ها برای نقاشی

دیواری از شیرینی برای احاطه کردن

Or a fire that does not burn but only heats

a group of people singing around it

یا آتشی که می سوزاند ولی فقط قلب را

گروهی از مردم که در اطراف آن آواز می خوانند

nothing can break our family apart

dad or mom, grandpa or grandma

هیچ چیز نمی تواند خانواده ما را از هم جدا کند

پدر یا مادر، پدربزرگ یا مادربزرگ

our little brother who when outside blows

offers his hand and smiles at us

برادر کوچکمان که وقتی بیرون می زند

دست خود را می دهد و به ما لبخند می زند

if mountains get between us

اگر کوه ها به میان مان آیند

We will climb them to the top

تا به قله آنها بالا میرویم

Because we are family! That’s why!

چون ما خانواده هستیم! به این خاطر